

نگرش امام (ره) به فقه و روش تحول در اجتهاد

محمد علی ندائی



تعبیر و توصیف امام خمینی (ره) از فقه و نگرش ایشان به این دانش بنیادین و جامعه ساز به عنوان فقهی که سال ها پیش از انقلاب مرجعیت مردم را بر عهده داشته و از پایگاه همین مرجعیت، انقلاب اسلامی را به پیروزی رسانده و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران لقب گرفته اند، جای بسی درنگ و تأمل دارد.

این نگرش جامع و فراگیر که به روشنی در فتاوی حکومتی امام (ره) در سال های رهبری جمهوری اسلامی ایران متبلور شده، در پیام ایشان به روحانیت، به نحوی جسته ای ظهور و بروز یافته است.

در اواخر عمر شریف حضرت امام (ره) زمینه های تحول در فقه آن هم از منظر پاسخگویی به نیازهای حکومت، چنان بالا گرفته بود که برخی از این رویکرد جدید به «فقه پویا» تعبیر می کردند و در پی برهم زدن ساز و کار رایج اجتهاد برآمده بودند.

اما امام را حل با بر خوردی هوشمندانه ضمن تأکید بر اجتهاد جواهری، ساز و کار ها و زوایه های تحول در فقه را نیز ارائه دادند.

ایشان در این پیام، تخلف از اجتهاد جواهری را جایز ندانستند و در این باره فرمودند: «این جانب معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری هستم و تخلف از آن را جایز نمی دانم. اجتهاد به همان سبک صحیح است ولی این بدان معنا نیست که فقه اسلام پویا نیست.»

بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران در این پیام، فقه را تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور توصیف کردند و اظهار فرمودند: «حکومت در نظر مجتهد واقعی فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است، حکومت نشان دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است، فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است.»

نگرش امام (ره) به فقه که در این پیام را هبردی متجلی شده، حاصل تجربه ای گران سنگ و بی بدیل است، تجربه ای که می توانست و می تواند نقطه عطفی در حرکت فقاقت پدید آورد و در نتیجه، بستری پیشرفت و تعالی جامعه را هموارتر کند.

توجه به همین اقتضائات جدید بود که امام را حل در بخشی از همین پیام، اجتهاد مصطلح را برای اداره جامعه کافی ندانستند و فرمودند: «روحانیت تا در همه مسائل و مشکلات حضور فعال نداشته باشد، نمی تواند درک کند که اجتهاد مصطلح برای اداره جامعه کافی نیست.»

زویه تحول در فقه موضوع دیگری بود که این فقیه صاحب مکتب به آن اشاره کردند: «زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند. مسئله ای که در قدیم دارای حکمی بوده است به ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند، بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، واقعاً موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی می طلبد.»

در حالی که شایسته بود این نگرش فقهی که می شود از آن با عنوان مکتب فقهی امام (ره) تعبیر کرد، به طور جدی و اکاوی شود و مسیر آموزش و تحقیق فقه در حوزه ها در این جهت تداوم یابد، تلاش لازم در این راستا صورت نگرفت. تا آن جا که رهبر معظم انقلاب اسلامی خود به طور مستقیم وارد عرصه مدیریت و هدایت تحول شدند و در این راستا تلاش و جدیت بسیاری مبذول کردند.

یکی از زوایای تحول در اجتهاد که در پیام حضرت امام خمینی (ره) بر آن تأکید شده، ارتباط فقه و حکومت است؛ امری که می تواند موضوع سازی های جدیدی برای فقه فراهم آورد و سر منشاء تحول در فقه شود.

زیرا به تعبیر امام (ره) حکومت، فلسفه عملی فقه و نشان دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است، از این رو باید برای پاسخگویی فقه به این نیازهای جدید ساز و کار اجتهادی متناسب با آن نیز فراهم آید.

